

فهرست

۹	درآمد
۱۱	مقدمه
۲۹	۱. «روی بتهوون حساب کن»: در هنر
۶۹	۲. «راک در جهت عقربه ساعت»: ظهور
۹۹	۳. «مراحتماً دوست بدار»: حسن زیبا
۱۳۷	۴. «نسل من»: موسیقی راک و تخرده فرهنگ‌ها
۱۶۳	۵. «انقلاب»: اندیشه راک
۱۹۷	۶. «فقط به خاطر پول آمدیم»: تجارت راک
۲۲۹	۷. «آشوب طلبی در انگلستان»: عصیان پانک
۲۵۹	۸. «پسران سرکش»: نظریه زیباشناسی در باب تولید موسیقی
۲۸۹	۹. ختم کلام: «زمان تغییر»
۳۰۳	پیموست
۴۹۹	بعضی مراجع مفید برای تحقیق بیشتر

مقدمه

نورهای رنگی ستون به ستون شکل می‌یابد؛ این یکی گاهی در دیگری فرو می‌رود، بر زمینه سیاه صحنه، مثل مارهای جنگل گرم درهم می‌تابند و بعد جدا می‌شوند، آبی، قرمز، سفید؛ به الوان مختلف؛ از پشت عدسی نورافکن‌های درشت، نورهای دسته و به هم پیوسته بیرون می‌آید. سالن از غوغای حاضران می‌لرزد. خواننده قدم بر صحنه می‌گذارد، چراغ‌های چشمک‌زن سرخ و نقره‌ای لحظه‌ای به دیدگانش برق می‌اندازد. موسیقی با ضربات کوبنده سازهای ضربی آغاز می‌شود... صحنه تغییر می‌کند؛ در سالن رقص سایه رقصندگان در نورهایی که از عدسی‌های فرنل^۱ رد شده تکان می‌خورد. صداها و تمهیدات صوتی را تا آخرین درجه بلند کرده‌اند. رقصندگان با موسیقی درآمیخته‌اند و هیچ چیز این پیوند را نمی‌گسلد. نیرویی که بدن آن‌ها را به جنبش وامی‌دارد ظاهراً تمام‌شدنی نیست... صحنه تغییر می‌کند؛ پسر ۱۴ ساله‌ای گوشه‌ای استریو به گوش دارد. چشم‌هایش را بسته است. دیوارهای اتاقش پر از پوسترها و آگهی‌هاست. صفحه‌ای روی گرامافون می‌گردد. سرش را مرتب تکان می‌دهد، که با ریتم موسیقی همراه است؛ می‌توانیم حدس بزنیم چه نوع موسیقی از طریق سیم باریک گوشه‌ای وارد گوشش می‌شود.

موسیقی را ک – چه کسی می‌تواند چشمان خود را بر شنوندگان و جوانان مشتاقی که به طور انکارناپذیری به آن دل بسته‌اند ببندد؟ در پس این همه توصیف، کیفیت و نمود چه معنایی نهفته است؟ چه افسونی در این موسیقی است؟ آیا از این افسون‌ها

۱. Fresnell، عدسی گرد با دایره متحدالمرکز که در نورافکن‌ها به کار می‌برند، برای این‌که نور را حجم‌دار کرده باشند. این عدسی را به نام مخترعش خوانده‌اند. - م.

تجربه واقعی هم بیرون می‌آید؟ از ریتم‌های کوبنده و ماشینی این موسیقی کدام معنا، کدام ارزش فرهنگی می‌تراود؟ این صداها تند و تیز چگونه از طریق آواز به حاضران منتقل می‌شود و آن‌ها را به هیجان می‌آورد؟ این همه غوغا آیا از ریتم است، یا از هارمونی، و یا ملودی؟

این کتاب سعی می‌کند جواب مناسبی به این پرسش‌ها بدهد. در جستجوی اصالت فرهنگی و زمینه‌های اجتماعی موسیقی راک است، در پی ساختاری است که شیوه‌های گوناگون و رنگارنگ از آن برمی‌خیزد که چون در عرصه توسعه قرار گرفته، به شکل پیامی با معانی ویژه جلوه می‌کند و نفوذ خود را به طور عمیقی در ذهن و جان شنونده بر جای می‌گذارد. در ریشه‌های اجتماعی راک نیز تفرّس می‌کند، بر آن است که آن را از سایه روشن تاریخی خود، با زمینه‌های اسرارآمیزی که دارد خارج کند و تغییرات اجتماعی بزرگ و کوچکی را که ممکن است به علت آن به وجود آمده باشد بیان نماید و آشکار سازد. هدف واقعی این کتاب این است که معنای سطوح مختلف راک را که در زیر ظاهر آهنگین آن نهفته است نشان دهد و مفاهیم شیوه‌های متفاوت و گوناگون و روش‌های مختلف نوازندگی را توضیح دهد. آوازهای موجود و صفحاتی که در بایگانی‌ها نگهداری می‌شود ابزار مفیدی است، از طریق آن‌ها می‌توانیم به اندازه‌گیری‌های اجتماعی و حتی روابط سیاسی جوامع پیردازیم و مشخص کنیم که شنوندگان گوناگون به چه ترتیب و در چه حد با یک چنین پدیده بی‌سابقه‌ای مربوط می‌شوند.

هیچ چیز قادر نیست این بستر را تغییر دهد، نمی‌تواند در فرهنگ موسیقی قرن بیستم دخالت کند و آن را دیگرگون جلوه دهد، هرچه هست همان است که در آن روزهای شتابناک از بیتل‌ها ظاهر شد و یک فضای تازه به وجود آورد، بیتل‌ها به شهرت رسیدند. بیش از ۸۰ درصد از کیفیت‌های رسانه صوت که امروز در اختیار داریم به یکی از شاخه‌های متعدّد راک وابسته و پیوسته است. از این رو آنچه را که موسیقی راک می‌خوانیم عرصه وسیعی است که دست‌های پراکنده خود را تا دوردست‌های پهنه گسترده صدا می‌فرستد و آرایش‌های نوینی به ظهور می‌رساند. در انگلستان و آمریکا به عنوان خاستگاه اصلی پاپ کلاسیک، هرساله بیش از ده هزار صفحه ۴۵ دور و هشت هزار صفحه ۳۳ دور منتشر شده است، به این ترتیب با یک حساب سرانگشتی از بدو ظهور راک هرساله بیش از یکصد هزار آواز در این زمینه تصنیف شده و انتشار یافته. در ژانویه ۱۹۷۳ از مرکز بین‌المللی موسیقی راک در هونولولو شاهکارهای حقیقی

راک - اند - رول^۱ از الویس پریسلی^۲ در مجموعه‌ای به نام الویس از هاوایی به شما سلام می‌کند، منتشر شد و آن‌ها که در مردم‌نگاری و مردم‌شناسی مطالعه می‌کنند با حیرت اعلام کردند که نیمی از مردم جهان از این مجموعه استقبال کردند این برنامه زنده نمایشی که بعدها به صورت صفحه انتشار یافت با پخش ماهواره‌ای در اختیار دنیا قرار گرفت. پخش ماهواره‌ای برنامه موسیقی در استادیوم ومبلی لندن و استادیوم جان کیندی در فیلادلفیا در اختیار سازمان توسعه بین‌المللی بود (با همکاری کشورهای استرالیا، روسیه، ژاپن، چین، فرانسه، و اتریش) و موفق شد، آنطور که آمار نشان داده، دو میلیارد نفر را در یکصد و پنجاه کشور پای تلویزیون‌ها بنشاند. به این ترتیب اگر بخواهیم راک را موسیقی مورد علاقه نوجوانان بخوانیم و ارتباطی راکه میان سطوح مختلف جامعه به وجود آورده فراموش کنیم از مطلب دور افتاده‌ایم. تنها نوجوانان و جوانان نبودند که به این موسیقی علاقه پیدا کردند بلکه زمینه‌های فرهنگی جوامع هم مستقیم یا غیرمستقیم تحت تاثیر قرار گرفت و راک میان همه اقشار، هواداران پرو پاقرصی یافت. کار دیگری که بر عهده راک نهاده شده بود این بود که جوانان را به دیگر انواع موسیقی نیز راهنمایی می‌کرد. از طریق راک مردم به موسیقی سَبک هم پرداختند و ارکسترهای بزرگ (حتی سنفونیک یا فیلارمونیک) به رهبری موسیقیدانان بزرگ به اجرای بدون آواز ملودی‌های راک پرداختند. به فاصله کمی پس از ظهور بیتل‌ها ارکسترهای معروف جهان به تنظیم و اجرای آثار آنان اقدام کردند. واقعیت این بود که هر روز میانگین سنی علاقمندان راک بالاتر می‌رفت. امروز ۵۰ ساله‌ها (نسل بیتل‌ها) نیز به این موسیقی عشق می‌ورزند.

مفاهیم و معانی متعددی که به نوعی زمینه باوقار دست یافته، و از پی سالیان دراز زلال و روشن شده، پوشش راک را تشکیل داده، بر این نکته تاکید دارد که موسیقی پرتوانی از این دست شرایط خود را تحمیل می‌کند و نتایج فرهنگی توانمندی به دست می‌دهد که زمینه را برای تغییرات زیربنایی به وجود می‌آورد و سطوح غیرقابل تصویری را در دسترس می‌گذارد. این تغییرات منحصرأ مربوط به مشکلات جوانان نیست، بل به شکل‌بندی و ساختار فرهنگ روزمره زندگی مربوط است که مدام زیر بمباران رسانه‌ای قرار دارد. به این ترتیب چشم‌اندازی که راک را به عنوان یک شیوه و مکتب نو در موسیقی (از شاخه‌های پاپ) نشان می‌دهد و آن را در عرصه پیشرفت و تکامل

1. Rock'n'Roll

2. Elvis Presley

«روی بتهوون حساب کن»: تجربه‌های نو در هنر

هنگامی که موسیقی راک در اوایل دهه ۵۰ از دل راک - اند - رول آمریکایی بیرون آمد اطلاق واژه هنر به آن در حکم توهین به مقدّسات بود. حتّی امروز هم این مدّعا که موسیقی راک یک شکل هنری است جار و جنجال زیادی به وجود می‌آورد و باعث درگیری‌های لفظی و جنگ ادبی می‌شود و مخالفان به شدت مقاومت می‌کنند و حاضر نیستند این شیوه را حتّی موسیقی بنامند. با این حال موسیقی راک مورد توجّه و تشویق مقامات آکادمیک قرار گرفته و بیتل‌ها به عنوان نخستین نماینده کلاسیک آن پذیرفته شده‌اند. شاید در نظر بعضی، موسیقی راک در عصر رسانه‌ای از نشانه‌های خلاقیت به شمار می‌رود، ولی دیگران آن را به عنوان ابزار تجارّتی در دست هنر می‌دانند و قدر و قیمتی از این بیشتر در نظر نمی‌گیرند. با مدارک و ابزار مشاهده و مطالعه که در دست داریم فوراً می‌توانیم تصمیم بگیریم که این نظریه دوّم را به کلی دور بیاوریم و از عواقب نادرست و مزاحم آن مفارقت نماییم. این‌که بخواهیم اصرار کنیم برای راک جایگاه افتخارآمیزی در منشآت هنری برای آن در نظر بگیرند کاری بیهوده و لغو است، و از آن، چیزی که بتواند در این مبحث ما را یاری دهد به دست نمی‌آید. پس بهتر است از این جنجال بگذریم و به کار خود پردازیم. از آنجاکه راک در فرهنگ موسیقی معاصر دارای یک شخصیت حقیقی است و موجودیت اورگانیک به دست می‌آورد نیازی به توجیه نیست؛ برای ما روشن است که این جدل بی‌مورد و بی‌حاصل است. اگر بخواهیم بدانیم که راک کدام انگیزه و احساس را در شنوندگان خود بیدار می‌کند

راک در جهت عقربه ساعت ظهور

در زمان حکومت آیزنهاور^۱ - ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۰ - هرآنچه در زندگی روزانه مردم آمریکا وجود داشت باراک - اند - رول ارتباط پیدا می کرد؛ دوره جنگ سرد، دوره ای که کاپیتالیسم ریشه دار و سنتی آمریکایی ظاهراً به توسعه مرزهای اقتصادی خود مشغول بود. طرح مارشال و اصل چهار ترومن به طور پی گیر در سراسر جهان اجرا می شد. سرمایه های آمریکایی در اروپا و ژاپن گسترش می یافت. جنگ جهانی دوم آمریکا را از ورطه هولناک ورشکستگی اقتصادی نجات داده بود. پیروزی بر آلمان نازی و دولت های محور، ایتالیا و ژاپن، یکی از مهم ترین پیروزی های تاریخ بشری به شمار می رفت. این البته فقط یک پیروزی خشک و خالی بود، زیرا در آن روزها افتخار معنایی نداشت و کسی از آن به اصطلاح پیروزی حیرت زده نشد و شادی نکرد. جنگ جهانی دوم بنیان خیلی چیزها را در هم فرو برده بود و درنور دیده بود و هرجا نگاه می کردی جسدی افتاده بود. مرزهای جغرافیایی تغییر کرد و بدهستان های سیاسی صورت گرفت، و سیل آوارگان به راه افتاد. میلیون ها نفر کشته و بی خانمان شدند. بازگشت قهرمانان جنگ واقعه مهمی بود که عاقبت جنبه ملی پیدا کرد. این سربازان از جنگ برگشته که بسیاری از آنها معلول و ناتوان بودند اکنون جز آرامش چیزی نمی خواستند و دنبال آنچه از دست داده بودند می گشتند: دنبال پول، خانواده، رویای خوشبختی و ثروت. بر چنین زمینه ای رابطه آنها با آرمان های لیبرالیسم و دموکراسی بورژوازی، یعنی چیزی که بسیار دور از وطن برای آن

۱. Dwight David Eisenhower (۱۸۹۰-۱۹۶۹)، ژنرال ۵ ستاره آمریکایی، فرمانده کل نیروهای متفقین.

سی و چهارمین رییس جمهوری ایالات متحده. - م.

«نسل من»: موسیقی راک و خُرده فرهنگ‌ها

در یک بافت جامع فرهنگی موسیقی راک به عنوان یکی از عناصر اصلی، توسعه یافت و تکمیل شد. در این بافت جامع، در هر زمان که ممکن بود شیوه نوازندگی و شکل‌های وابسته به سبک معنای ویژه‌ای ایفا می‌کرد، به حمایت مفاهیم می‌پرداخت و ارزش‌های موجود را ارج می‌نهاد و آن را به وسیله‌ای برای ادراک و تبیین رویدادهای روزانه بدل می‌کرد. موسیقی راک هرگز بازتاب ملودیک واقعیت نبود و به طور اصولی جنبه سرگرمی هم نداشت. با شخصیت و یا کیفیت نامانوس و به همان اندازه پیش پا افتاده، موسیقی راک بافت مادی رفتار فرهنگی را در اوقات فراغت شکل می‌داد - این بافت مادی اغلب شامل لباس‌هایی بود که به دقت و وسواس انتخاب می‌شد؛ و شیوه آرایش مو و صورت، و سوار شدن به موتورسیکلت (نماد بی‌چون و چرای مردان)، و شانه‌های تیز چون تیغ، کفش‌های نوک‌باریک، بازوبند و یا دستبند چرمی، و گردن‌بند بلند و خشن فلزی از مهم‌ترین عناصر به شمار می‌رفت. تنها یک شنونده و بیننده خاص می‌توانست از این نشانه‌های مادی مفاهیم معینی بیرون بکشد و آن را به راک نسبت بدهد، و به مرحله هیجان و تکان، و سپس دیالکتیک میان موسیقی و فرهنگ وارد شود که مدام در شیوه‌های نو می‌گشت. سیمون فریت در این باره می‌گفت: «شنونده راک و یا آن‌که به سالن کنسرت می‌آید یک جمعیت بی‌خاصیت و ایستا به شمار نمی‌رود، صفحات موسیقی را مثل ذرت بوداده می‌بلعد، و موسیقی را به شکل عامل یگانگی و الهام هیجان و حرکت درمی‌آورد.»^۱

به همین علت نمی‌توانیم بی‌آن‌که موسیقی راک را در بافت اجتماعی و فرهنگی خود